

امکان سنجی جرم‌انگاری ژنوسید سیاسی با تکیه بر اسناد بین‌المللی؛ تطبیق واقعیت و حقوق بین‌الملل

رضوان باقرزاده *

مهدی حسین تبریزی **

می‌توان تغییر کرد؛ می‌توان جان انسان‌ها را نجات داد؛ می‌توان ژنوسید را متوقف کرد.^۱

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/CILAMAG.2019.91893.1566

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۳

چکیده

در کنوانسیون ژنوسید و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ارتکاب ژنوسید به‌عنوان خطرناک‌ترین جنایت بین‌المللی، علیه گروه‌های ملی، قومی، مذهبی و نژادی تعریف شده است. در زمان تصویب این اسناد از جمله ایرادات وارده این بود که به‌واسطه تمایلات سیاسی برخی دولت‌ها، گروه‌های سیاسی از شمول تعریف ژنوسید خارج می‌مانند؛ حال آنکه تاریخ بشر، فزونی جنایات هولناک علیه گروه‌های سیاسی را گواهی می‌دهد. برخی صاحب‌نظران از دهه هشتم قرن بیستم به بعد تلاش کردند با ارائه نظریه ژنوسید سیاسی یا سیاسی‌کشی این نقص را جبران کنند. آن‌ها با بهره‌گیری از پویایی حقوق بین‌الملل کیفری، عناصر مادی و معنوی ژنوسید را بر این جنایت منطبق کردند و در نتیجه می‌توان گفت اکنون محور اصلی چالش برای شناسایی قطعی این جنایت در حقوق بین‌الملل، رکن قانونی است. تفسیری غایت‌محور از حقوق بین‌الملل کیفری و جرم‌انگاری ژنوسید، در نهایت به این نتیجه رهنمون می‌شود که شاید زمان بازنگری اسناد بین‌المللی در این خصوص فرا رسیده است.

واژگان کلیدی

جنایات بین‌المللی، کنوانسیون ژنوسید، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ژنوسید، ژنوسید سیاسی، سیاسی‌کشی، گروه‌های سیاسی

* r.bagherzadeh@basu.ac.ir

* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان

** tabrizi1365@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

1. Kendrick Meek (an American politician); at: https://www.brainyquote.com/quotes/kendrick_meek_374936 > 15.07.2018.

مقدمه

یکی از رویکردهای هدفمند نظام حقوقی بین‌المللی پس از جنگ جهانی اول، حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های متشکله بوده است. اوایل، دامنه این رویکرد، کاملاً محدود و در راستای حفاظت و حمایت از حقوق و منافع گروه‌هایی بود که جمعیت همگن یک کشور را تشکیل می‌دادند و برای پیشبرد ایده‌هایی چون خودمختاری و استقلال تلاش می‌کردند. سپس حقوق بین‌الملل، آمادگی خود را در جهت شناسایی حقوق اقلیت‌ها و مشروعیت‌بخشی به حمایت از گروه‌های مربوطه به‌جد نشان داد.^۲ بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد، تمرکز خود را بر حقوق بشری جهان‌شمول و فراگیر قرار داد و تلاش کرد محدوده حمایت خود را از صرف حوزه اقلیت‌های خاص خارج کند،^۳ چه زمان آن رسیده بود که به جنایات بین‌المللی که در ادوار مختلف تاریخ و طی مخاصمات خونین مسلحانه به وقوع پیوسته بود، پاسخ مقتضی داده شود.^۴ در همین راستا عزم قاطع کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای ایجاد نهاد کیفری مستقل و دائمی بین‌المللی، با وجود برخی مخالفت‌ها یکپارچه شد و حاصل تلاش‌های مستمر در نهایت با تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری توسط اکثر شرکت‌کنندگان در اجلاس رم (ژوئیه ۱۹۹۸)^۵ به بار نشست.

در میان جرایم داخل در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، ژنوسید^۶ همچنان تداوم مسیر صلح و ستفالی ۱۶۴۸ و حمایت آن از اقلیت‌های مذهبی شمرده می‌شود.^۷ ژنوسید، این «جرم بدون نام»^۸

۲. ن.ک:

Schabas, William A., *Genocide in International Law: The Crimes of Crimes*, Cambridge University Press, 2000, pp. 22-24.

۳. لمکین بر این باور بود که معاهدات حامی اقلیت‌های قومی که در فاصله دو جنگ جهانی شکل گرفته بود، فاقد تمهیداتی در جهت حمایت از این گروه‌ها در ارتکاب جنایات بود. شبت، ویلیام ا.؛ مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه: سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری؛ جنگل، ۱۳۸۴، صص ۴۶-۴۵.

۴. ابراهیمی، سید نصرالله؛ «درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن»، *مجله حقوقی*، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۵۲-۱۵۱.

۵. ن.ک: ابراهیمی؛ همان، صص ۱۸۶-۱۵۱؛ همچنین برای ملاحظه آمار رسمی در تارنمای رسمی دیوان، ن.ک: https://asp.icc-cpi.int/en_menus/asp/states%20parties/pages/the%20states%20parties%20to%20the%20rome%20statute.aspx > 15.07.2018.

۶. ژنوسید/نسل‌کشی/نسل‌زدایی/کشتار دسته‌جمعی یا جمعی دیگر معادل‌هایی هستند که در زبان فارسی برای Genocide به کار رفته است. در نوشتار حاضر اصالت به واژه ژنوسید داده می‌شود، چه به تعبیر برخی نویسندگان، به پاس زحمات واضح این واژه و به تبعیت از ادبیات شاخص حقوق بین‌الملل، به‌کارگیری اصل واژه به نظر دقیق‌تر و شایسته‌تر است. ن.ک: ستار عزیزی؛ «حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی»، *فصلنامه حقوقی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۲۷؛ از دیگر سو انتخاب معادل نسل‌زدایی در مقایسه با نسل‌کشی یا کشتار جمعی نیز هوشمندانه‌تر به نظر می‌رسد، چه بار مفهومی آن محدود به قتل و کشتار نیست و به‌درستی با تعریف و مصادیق این جنایت تناسب بیشتری دارد.

7. Schabas, *op.cit.*, p. 14.

8. Crime without a name

دادگاه کیفری ویژه برای رواندا «جرم‌الجرایم»^۹ آن را خواند،^{۱۰} خطرترین جنایات بین‌المللی است و منع آن، یکی از قواعد آمره^{۱۱} به شمار می‌آید. در ماده ۶ اساسنامه رم که خود برگرفته از ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات ژنوسید (۱۹۴۸) است،^{۱۲} ارتکاب ژنوسید در گرو وجود قصد نابودی کلی یا جزئی یکی از چهار گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی^{۱۳} شناخته شده است. به نظر می‌رسد برخی شاخص‌های دیگر نظیر سیاست و فرهنگ نیز ممکن است دستمایه ارتکاب کشتارهای وسیع و دست‌کم، نزدیک به ژنوسید قرار گیرد؛ همچنان که کسسه، اولین ایراد ماده ۶ مزبور را عدم شمول آن بر ژنوسید فرهنگی^{۱۴} و نابودی گروه‌های سیاسی می‌شمرد.^{۱۵} در خصوص ارتکاب ژنوسید علیه گروه‌های سیاسی که موضوع نوشتار حاضر است می‌توان گفت شواهد تاریخی خصوصاً بعد از انقلاب‌ها یا طرح‌های ناموفق در جهت براندازی یا تغییر حکومت‌ها نشان می‌دهد که گاه دولت‌ها به نابودی تمام یا قسمتی از گروه‌های وابسته با مواضع سیاسی خاص یا گروه‌های سیاسی مستقل اقدام کرده‌اند. تحقیقات دقیق در این زمینه نشان می‌دهد که میلیون‌ها نفر در اثر اقدامات ژنوسید و اجرای هدف‌مند و تدریجی برنامه دولت‌ها علیه گروه‌های سیاسی کشته شده‌اند و تعداد قربانیان آن با تعداد کشته‌شدگان جنگ‌های داخلی و بین‌المللی در دوره‌های زمانی یکسان، برابر و چه‌بسا بیشتر بوده است. به‌علاوه بعد از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از مناطق دنیا ارتکاب این جنایات سیر صعودی نیز یافته است.

در این نوشته تلاش بر آن است تا با تکیه بر اسناد بین‌المللی و واقعیات تاریخی،^{۱۶} امکان بسط مبانی چهارگانه ارتکاب ژنوسید به مبنای سیاسی بررسی، و به‌طور مشخص به این پرسش پاسخ

این تعبیری است که پیش از جرم‌انگاری ژنوسید، چرچیل به کار برده بود.

9. Crime of crimes

۱۰. برای مطالعه مطلبی مختصر و مفید در خصوص رویکرد دادگاه کیفری ویژه برای رواندا به ژنوسید، ن.ک:

Akhavan, Payam, "The Crime of Genocide in the ICTR Jurisprudence", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 3, no. 4, 1 Sept., 2005, pp. 989-1006.

11. Jus cogens

در خصوص تقابل یا تعامل میان برخی مقررات قراردادی، عرفی و آمره ژنوسید، ن.ک: ستار عزیزی و محمد حاجی؛ «تعامل بین ممنوعیت قراردادی نسل‌کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل‌کشی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست‌وهشتم، شماره ۴۵، پاییز-زمستان ۱۳۹۰.

۱۲. تا پیش از این، ژنوسید صرفاً یکی از طبقات فرعی جنایات علیه بشریت به حساب می‌آمد. ن.ک: آنتونیو کسسه؛ حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران و دیگران، جنگل، ۱۳۸۷، صص ۱۱۶-۱۱۵.

13. With intent to destroy, in whole or in part, a national, ethnical, racial or religious group.

۱۴. در خصوص مفهوم ژنوسید فرهنگی و نگرش حقوق بین‌الملل معاصر نسبت به این مفهوم، ن.ک: علیرضا آرش‌پور و مجید زحمتکش؛ «ظرفیت‌های نظم کنونی حقوق بین‌الملل در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره سی‌وچهارم، شماره ۵۷، پاییز-زمستان ۱۳۹۶.

۱۵. کسسه؛ همان، ص ۱۱۶.

۱۶. درباره ممنوعیت ژنوسید در بخشی از رویه‌قضایی بین‌المللی، برای مثال، ن.ک: عزیزی و حاجی؛ همان، صص ۱۷-۱۹؛ هیبت... زندگی‌منش؛ حقوق بین‌المللی کیفری در رویه‌قضایی، خرسندی، ۱۹۹۴، صص ۱۷۶-۱۵۵.

داده شود که آیا ژنوسید سیاسی نیز می‌تواند در دل مفهوم ژنوسید قرار گیرد؟ نوشتار حاضر در بخش نخست، ضمن ابهام‌زدایی از واژگان داخل در بحث، به تبیین نظریه ژنوسید سیاسی می‌پردازد. سپس در بخش دوم به واکاوی حقایق تاریخی در این خصوص و نهایتاً به تطبیق ارکان ژنوسید سیاسی با ژنوسید خواهد پرداخت.

۱. تبیین ژنوسید سیاسی؛ در جستجوی معانی

۱-۱. مفهوم ژنوسید

واژه ژنوسید^{۱۷} به سال ۱۹۴۴ و از کتاب معروف *رافائل لمکین*^{۱۸} وکیل، دادستان و استاد دانشگاه یهودی لهستانی تولد یافت که برای توصیف جنایت کشتار جمعی توسط نازی‌ها، از جمله کشتار یهودیان اروپا در خلال جنگ جهانی دوم به کار رفته بود.^{۱۹} این واژه یک سال بعد توسط دادستان‌ها، و نه قضات، در دادگاه نورنبرگ اعمال شد.^{۲۰} در سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی ملل متحد تحت تأثیر واقعه *هالوکاست* و تلاش‌های *لمکین*^{۲۱} ژنوسید را جرمی بین‌المللی اعلام و سرانجام در دسامبر ۱۹۴۸ کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید را تصویب کرد.^{۲۲} مطابق ماده ۲ این کنوانسیون، «منظور از ژنوسید در کنوانسیون حاضر، هریک از اعمال زیر است که به قصد نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد؛ الف) قتل اعضای یک گروه؛ ب) ایراد صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضای یک گروه؛ ج) تحمیل عمدی شرایط زیستی به یک گروه به گونه‌ای که منجر به نابودی فیزیکی کلی یا جزئی آن گروه می‌شود؛ د) تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولید نسل در یک گروه؛ ه) انتقال اجباری کودکان یک گروه به

۱۷. این واژه مرکب است از نژاد، ملت یا قبیله (genos) به زبان یونان باستان و کشتن (cide) به زبان لاتین. Schabas, *op.cit.*, p. 25.

۱۸. Lemkin, Raphael, *Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation, Analysis of Government, Proposals for Redress*, Carnegie Endowment for International Peace, Division of International Law, 1944.

۱۹. درباره زندگی‌نامه *لمکین*، شناخت بهتر کتاب معروف او و تعریف پیشنهادی او برای ژنوسید، ن.ک: Schabas, *op.cit.*, pp. 24-30.

۲۰. شبت؛ همان، ص ۴۶؛ محاکم نورنبرگ و توکیو بدون اشاره صریح به ژنوسید در رسیدگی به موضوع ریشه‌کن کردن یهودیان و سایر جمعیت‌های قومی یا مذهبی، اغلب به جرم آزار جمعی اشاره کردند. کسسه؛ همان، ص ۱۱۵.

۲۱. چنین توفیق سریعی برای واژه‌آفرینی امری نادر است. خود *لمکین* یکی از علل مهم این توفیق را توجه مطبوعات کشورهای مختلف به‌ویژه ایالات متحده به این واژه می‌داند.

Lemkin, Raphael, "Genocide as a Crime in International Law", *AJIL*, vol. 41, n. 9, 1947, p. 149; in: Schabas, *op.cit.*, p. 14.

۲۲. بیگزاده، ابراهیم؛ «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۲-۲۱، زمستان ۱۳۷۶- تابستان ۱۳۷۷، ص ۷۳.

گروه دیگر».^{۳۳} از همان آغاز، انتقادات و اختلاف‌نظرات نویسندگان بر سر خارج‌ماندن برخی گروه‌ها از تعریف شکل گرفت.^{۳۴} با وجود تلاش‌های متعدد برخی نویسندگان و امید آن‌ها به گسترده‌شدن تعریف ژنوسید، سرانجام در سال ۱۹۹۸ ماده ۶ اساسنامه رم هم با تکرار عینی تعریف ژنوسید در کنوانسیون فوق، این جنایت را شامل همان اعمال ارتكابی به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین دانست. به اذعان برخی نویسندگان، ارائه تعریفی از ژنوسید که همه صاحب‌نظران و محققان را کاملاً راضی کند، غیرممکن است و چه‌بسا اساساً بحث در این خصوص نباید ادامه یابد.^{۳۵} در حال حاضر هم میان حقوق‌دانان، اجماعی بر سر تعریف ژنوسید وجود ندارد.^{۳۶} به هر روی به نظر می‌رسد تعریف قانونی این جنایت، ملاک بسیاری از نویسندگان نیز قرار گرفته است. البته شایان ذکر است از همان ابتدا در سال ۱۹۴۴/مکین به‌عنوان نظریه‌پرداز اصلی ژنوسید، گروه‌های سیاسی را هم در زمره قربانیان احتمالی این جنایت برشمرد. اما از آنجا که شوروی سابق به‌واسطه جنایات/ستالین، و بلوک غرب با توجه به جنایات ضدکمونیستی خود، تمایلی به گنجاندن این گروه ذیل جنایت ژنوسید نداشتند،^{۳۷} نهایتاً گروه‌های سیاسی از دایره شمول تعریف ژنوسید در کنوانسیون ژنوسید و متعاقباً سایر اسناد بین‌المللی خارج ماندند.

در پایان، دانستن این مطلب خالی از لطف نیست که مطالعات بین‌رشته‌ای در خصوص ژنوسید، اعم از حقوق، تاریخ، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد قرن بیستم به‌ویژه در آمریکا و کانادا رونق گرفت و سپس در اوایل دهه نود به حوزه‌های دیگر نظیر انسان‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی نیز بسط یافت. در میان مطالعات گسترده در خصوص ژنوسید، بحث علت‌یابی و شناخت ریشه‌های ژنوسید، به‌درستی یکی از غنی‌ترین بخش‌های مطالعاتی این

23. *Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Genocide Convention)*, 9 Dec., 1948;

همچنین، ن.ک: آیات ۳۳ سوره اسرا و نیز ۳۲ سوره مائده قرآن کریم.

24. See: Feierstein, Daniel, "Leaving the Parental Home: An Overview of the Current State of Genocide Studies" (Translated from Spanish by Douglas Andrew Town), *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, vol. 6, issue 3, 2011, pp. 257-258.

25. *Ibid.*, p. 258.

26. در حالی که شمار قابل‌توجهی از نویسندگان، به‌ویژه از حوزه آنگلو‌ساکسون از تعریف کنوانسیون ۱۹۴۸ پیروی می‌کنند، برخی دیگر از جمله از کشورهای آرژانتین، بوسنی، اروگوئه و کامبوج، بر سر تعریف صحیح ژنوسید همچنان بحث می‌کنند. البته قوانین کیفری برخی کشورها مانند فرانسه، فنلاند، پاناما، بنگلادش، کلمبیا و رومانی، تعاریف حقوقی به‌مراتب دقیق‌تری از ژنوسید ارائه کرده‌اند و از گروه‌های بیشتری نظیر گروه‌های سیاسی و جنسیتی حمایت می‌کنند.

Ibid., pp. 259-260, 267.

27. Harff, Barbara, "Explaining and Preventing the Holocaust, Genocides, Politicides and Holodomors", at the event 'The Limits of Accuracy: Models and Assumptions of Failed States Indexes' which is part two of a Talk Series entitled 'The (Un)Making of Failing States: Profits, Risks and Measures of Failure', Jan. 2009, p. 1; Available at: https://us.boell.org/sites/default/files/downloads/Paper_Harff_Barbara.pdf > 15.07.2018; Schabas, *op.cit.*, p. 27.

حوزه شمرده می‌شود.^{۲۸} برخی نویسندگان، احتمال وقوع ژنوسید در کشورهای مختلف را به تفصیل بررسی و عوامل پیش‌آگهی‌دهنده^{۲۹} و شاخص‌های خطرآفرین^{۳۰} برای ارتکاب احتمالی ژنوسید به‌ویژه با زمینه سیاسی نظیر نوع رژیم و مخاصمه داخلی یا هم‌جوار را به‌طور تطبیقی مطالعه کرده‌اند.^{۳۱}

۱-۲. اصطلاحات هم‌خانواده با ژنوسید

جالب است که از سال‌های آغازین پدیداری اصطلاح ژنوسید تا دهه‌های اخیر، برخی اصطلاحات حقوقی هم‌خانواده با اصطلاح ژنوسید و برگرفته از آن، پا به عرصه ادبیات حقوق بین‌الملل و به‌ویژه فرهنگ‌های حقوقی آنلاین (برخط) نهاده‌اند. بدیهی است تولد این واژگان، علاوه بر غنایافتن ادبیات حقوقی بین‌المللی در این زمینه، نشان‌دهنده رشد و توسعه ماهوی ارزش‌های حقوق بشری در سطح بین‌المللی نیز هست.

«مردم‌کشی»^{۳۲} اصطلاحی برای توصیف قتل یک فرد یا افراد توسط دولت است^{۳۳} که تمام کشتارها از جمله ارتکاب ژنوسید توسط دولت را شامل می‌شود و اساساً از تمام گروه‌های داخلی حمایت می‌کند.^{۳۴} از آنجا که نتیجه ارتکاب مردم‌کشی، فروپاشی و انهدام گروه‌ها و نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی، ملی، مذهبی یا اقتصادی است، این عمل به‌واقع، نابودی امنیت شخصی، آزادی، سلامت، کرامت و زندگی اعضای این گروه‌ها را نشانه می‌گیرد.^{۳۵} کشتار مردم شوروی سابق توسط دولت وقت این کشور در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۱۷ مصداق این نوع کشتارها است.^{۳۶}

«کشتار جنسیتی»^{۳۷} به تعبیر تارنمای دیده‌بان کشتار جنسیتی، کشتار جمعی علیه یک جنسیت

28. Feierstein, *op.cit.*, pp. 257, 260;

29. Early warning

30. Risk indicators

۳۱. برای ملاحظه یک نمونه اخیر از این مطالعات، ن.ک:

Verdeja, *op.cit.*, pp. 13-28; See also Feierstein, *op.cit.*, pp. 260-266.

32. Democide

۳۳. *تئودور آبل* در سال ۱۹۵۱ با استناد به اقدامات نازی‌ها در آلمان این اصطلاح را ابداع کرد. *رامل*، صاحب‌نظر اصلی در این حوزه شناخته می‌شود.

Miranda, Luis, "Democide: When Your Government Kills You", *The Real Agenda*, 23 Feb., 2012; Available at: <http://real-agenda.com/democide-when-your-government-kills-you/> > 15.07.2018.

34. <https://www.urbandictionary.com/define.php?term=democide> > 15.07.2018; See also Harff, Barbara, "The Comparative Analysis of Mass Atrocities and Genocide", in: Gleditsch, N. P. (ed.), *R. J. Rummel: An Assessment of His Many Contributions*, Springer International Publishing, 2017, pp. 111-120.

۳۵. در نظریه صلح دموکراتیک برای مقابله با مردم‌کشی تلاش بر این بود که انگیزه‌های بازدارنده خشونت دولتی ترسیم شود. مطابق نظریه *رامل*، دولت‌های آزادی‌گرا در سطح داخلی و روابط خارجی خود گرایش به حل‌وفصل اختلافات به طرق مسالمت‌آمیز دارند. حیدری، حمید؛ «نظریه صلح دموکراتیک»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۷؛ برای تحلیل تطبیقی ژنوسید با محوریت اندیشه *رامل*، ن.ک:

۳۶. برای ملاحظه سایر نمونه‌ها، ن.ک: <https://modernsurvivalonline.com/what-is-democide/> 15.07.2018.

37. Gendercide

گزینش شده، اعم از زن و مرد است. کشتار جنسیتی اشاره به این واقعیت دارد که نقش‌های جنسیتی اغلب به عواقب مرگ‌باری مشابه با عواقب مرگ‌بار نژادی، مذهبی، قومی یا ملی منجر می‌شود. البته در بسیاری موارد، این اصطلاح فقط در خصوص کشتار جمعی علیه زنان و دختران به کار می‌رود^{۳۸} اما اصالتاً این واژه، فارغ از جنسیت است و واژگانی تخصصی‌تر به‌طور مشخص، قربانی مؤث را نشانه می‌گیرند.^{۳۹} کشتار جنسیتی انتخابی ۲۷ زن جوان در دسامبر ۱۹۸۹ در مونترال کانادا نمونه این جنایت است.^{۴۰}

«مذکرکشی»^{۴۱} به مثابه نوعی کشتار جنسیتی، به کشتار دسته‌جمعی مردان به دلایل مختلف اشاره دارد. این جرم مکرر در طول تاریخ ارتکاب یافته و در بسیاری موارد ممکن است طی جنگ و با هدف کاهش شمار سربازان و نیروی دشمن و نیز تضعیف کیفی آن‌ها صورت می‌گیرد. یکی از نمونه‌های آن، قتل عام گسترده و انتقال اجباری چند ده هزار مرد و پسر بوسنیایی در سربرنیتسا^{۴۲} در ژوئیه ۱۹۹۵ به دست نیروهای صرب بود.^{۴۳}

«کشتار یک طبقه اجتماعی»^{۴۴} عبارت است از نابودی عمدی و سازمان‌یافته تمام یا بخشی از یک طبقه اجتماعی، از طریق آزار و اذیت و اعمال خشونت^{۴۵} که مشتمل است بر انواع کشتار، خشونت‌های جسمی و روانی، تبعید، کوچ اجباری، محرومیت از حقوق اولیه انسانی و اجتماعی و مانند این‌ها.^{۴۶} تاریخ

۳۸. این اصطلاح را برای اولین بار، فمینیست امریکایی ماری آن وارن ابداع کرد. وی در کتابی به همین عنوان در سال ۱۹۸۵ به کشتار عام جنسیتی اشاره کرد و به تجزیه و تحلیل موضوعاتی چون نابودی عمدی زنان، نوزادان دختر، سوءاستفاده از زنان و دیگر موارد مشابه در قیاس با ژنوسید پرداخت.

http://www.gendercide.org/what_is_gendercide.html; <http://invisiblegirlproject.org/the-issue/> > 15.07.2018.

۳۹. اصطلاح «مؤث‌کشی» (Gynocide/Femicide) مختص کشتار جمعی قربانیان مؤث است و به تعبیر سازمان جهانی بهداشت، از جمله مشتمل است بر هر نوع کشتن زنان و دختران؛ همچنان‌که «نوزادکشی» (Feticide/Foeticide) نیز انواع آن را در بر می‌گیرد. ن.ک:

http://www.gendercide.org/what_is_gendercide.html > 15.07.2018;

http://apps.who.int/iris/bitstream/handle/10665/77421/WHO_RHR_12.38_eng.pdf;jsessionid=DD1D496314ABCD4501EC609E55E04C49?sequence=1; <http://invisiblegirlproject.org/the-issue/> > 15.07.2018.

<http://www.gendercide.org/case.html> > 15.07.2018.

۴۰. برای ملاحظه سایر نمونه‌ها، ن.ک:

41. Androicide

42. Srebrenica massacre

۴۳. ن.ک:

Karganović, Stephen and Simić, Ljubiša, *Rethinking Srebrenica*, New York, Unwritten History, Inc., 2013.

44. Classicide

45. <https://wikivisually.com/wiki/Classicide>; <https://ipfs.io/ipfs/QmXoypizjW3WknFiJnKLwHCnL72vedxjQkDDP1mXWo6uoc/wiki/Classicide.html> > 15.07.2018;

اصطلاح «جامعه‌کشی» (Sociocide) نیز به این عمل بسیار نزدیک است. ن.ک:

O'Sullivan, Dónal, "Stalin's Genocides" (Book Review), *The International History Review*, vol. 34, no. 2, 2012, p. 408.

۴۶. در دهه پایانی قرن بیستم برای نخستین بار، مایکل مان، جامعه‌شناس این اصطلاح را برای کشتارهای عمدی طبقات اجتماعی به‌ویژه توسط چپ‌گراها در جوامع کمونیستی به کار گرفت. ن.ک:

نشان می‌دهد که تبعیض‌های طبقاتی منجر به درگیری‌های خونین و قتل‌عام‌های وحشتناک طبقات اجتماعی می‌شد.^{۴۷} کشتار عام چند ده هزار زمین‌دار و دهقان طبقه مرفه توسط حزب کمونیست در چین در سال ۱۹۴۷^{۴۸} یکی از نمونه‌های کلاسیک این مورد است.^{۴۹}

۱-۳. اصطلاح‌شناسی ژنوسید سیاسی

الف. سیاست و گروه سیاسی

پیش‌شرط درک صحیح از اصطلاح ژنوسید سیاسی، درک مفهوم سیاست و به دنبال آن، گروه‌های سیاسی است. در خصوص مفهوم «سیاست»،^{۵۰} بحث بسیار است و تعاریف متنوعی از آن شده است.^{۵۱} به بیان فرهنگ لغت کمبریج، «سیاست» عبارت است از «فعالیت‌های دولت، اعضای سازمان‌های قانون‌ساز یا مردمی که تلاش می‌کنند بر شیوه اداره کشور تأثیرگذار باشند».^{۵۲} به تعبیر فرهنگ لغت کالینز، «سیاست» مشتمل است بر «اعمال یا فعالیت‌های مرتبط با تحصیل یا اعمال قدرت در کشور یا جامعه».^{۵۳} فرهنگ حقوقی بلک هم با مبنای قرارداد مفهوم عام سیاست، «قدرت سیاسی»^{۵۴} را قدرت اعطاشده به شخص یا مجموعه‌ای از اشخاص می‌داند که در جهت اعمال هریک از کارکردهای دولت به کار می‌بندند. این قدرت همان ظرفیت تأثیرگذاری بر فعالیت‌های بدنه قدرت در جامعه است.^{۵۵} ملاحظه می‌شود که مرکز ثقل تحلیل و بررسی علم سیاست، دولت یا حکومت است و بنابراین، حاکمیت و نیز مشروعیت و مقبولیت آن در جامعه، در ارتباط مستقیم با مقوله سیاست قرار می‌گیرد. در عین حال، این‌ها تنها عناصر داخل در بحث سیاست نیستند و از

Mann, Michael, *The Dark Side of Democracy; Explaining Ethnic Cleansing*, New York, Cambridge University Press, 2005, p. 17.

۴۷. مارکس معتقد بود همواره کشاکش دو طبقه بورژوازی و پرولتاریا تاریخ را رقم می‌زند. مشابه این دیدگاه کماکان در میان نویسندگان پرطرفدار است. برای مثال، ن.ک:

Wu, Harry, "Classicide in Communist China", *Comparative Civilizations Review*, vol. 67, no. 67, Fall 2012, p. 102.

۴۸. ن.ک:

<https://wikivisually.com/wiki/Classicide> >15.07.2018.

Wu, *op.cit.*, p. 102.

۴۹. برخی کشتار وسیع طبقه اجتماعی در چین را ژنوسید می‌شمرند. ن.ک:

50. Politics

۵۱. برای ملاحظه تعاریف لغوی و اصطلاحی متعدد از این واژه و نیز نگاه انتقادی به این تعاریف، ن.ک: محمدحسین اسکندری؛ «نگاهی به مفهوم سیاست»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، دوره ۵، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۷۸، صص ۹۳-۸۴؛ برای مطالعه دیدگاه‌های مارکس در چارچوب مشارکت او در تئوری مدرن سیاست، ن.ک:

Holm, Andreas Beck, "Marx on Politics; On the Search for a Missing Concept", *Distinktion: Journal of Social Theory*, vol. 7, no. 1, 2006, pp. 43-58.

52. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/politics> >15.07.2018.

53. <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/politics> >15.07.2018.

54. Political power

55. Garner, Bryan A. (ed. in chief), *Black's Law Dictionary*, WEST, 9th ed., 2009, p. 1277; See also <https://thelawdictionary.org/political-power/> > 15.07.2018.

قضا انتقاداتی هم از سوی برخی نویسندگان به آن تعاریف سیاست که صرفاً دولت‌محور یا قدرت‌محور هستند وارد شده است.^{۵۶} وقتی سخن از سیاست به میان می‌آید، دایره بحث فراتر از حکومت و ابزارهای آن می‌رود و درست همین جاست که اهمیت ایفای نقش بازیگران مختلف «مشارکت سیاسی» خود را نشان می‌دهد.^{۵۷} به اعتقاد برخی، «مفهوم کلاسیک سیاست، مترادف با دولت و نظام سیاسی و کنش‌های برآمده از متن آن با محوریت احزاب، طبقات و سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های سیاسی است. اما امر سیاسی باید به مثابه آنچه در تحلیل‌های رایج «غیرسیاسی» یا «سیاست فرعی/حاشیه‌ای» دانسته می‌شود [نیز] درک شود».^{۵۸}

در چارچوب نوشتار حاضر، یکی از مؤلفه‌های کلاسیک و مهم سیاست، «حزب/گروه سیاسی»^{۵۹} است؛ چه در مقام سخن در خصوص ژنوسید سیاسی ناگزیر باید گروه هدف را به‌درستی شناخت. گروه سیاسی مجموعه‌ای از افراد است که در قالب عضویت آزاد و برنامه واحد گرد هم آمده‌اند^{۶۰} و در خصوص شیوه اعمال قدرت در کشور یا جامعه، توسط دولت، سیاست‌سازان و مانند این‌ها، باور و دیدگاه مشترکی دارند.^{۶۱} بنابراین با گذر از جزئیات مفصل این بحث^{۶۲} می‌توان گفت اعضای گروه سیاسی در اهداف سیاسی قویاً به هم نزدیک‌اند^{۶۳} و ضمن تفکیک خود با سایر گروه‌ها، جامعه،^{۶۴} به دنبال آن‌اند که به‌ویژه از طریق معرفی نامزدهای خود در انتخابات، بر سیاست‌ها و رفتار دولت حاکم تأثیر بگذارند.^{۶۵} بنابراین پرواضح است که حیات دموکراسی در جامعه مدرن در گرو وجود گروه‌های سیاسی است.^{۶۶} اما مسئله اینجاست که آیا دولت‌های حاکم هم این حقیقت را همیشه برمی‌تابند یا گاه تمام تلاش خود را معطوف حذف این گروه‌ها می‌کنند؟

۵۶. اسکندری؛ همان، صص ۹۳-۹۰.

۵۷. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، به‌ویژه با تکیه بر دوران گذار این مفاهیم، ن.ک:

Conge, Patrick J., "Review: The Concept of Political Participation: Toward a Definition", *The Journal of Comparative Politics*, vol. 20, no. 2, Jan. 1988, pp. 241-249.

۵۸. نظری، علی‌اشرف؛ «چرخش مفهوم سیاست و بازآفرینی امر سیاسی: درک زمینه‌های هستی‌شناختی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، ص ۲۶۸.

59. Political group/party

60. Hofmeister, W. and Grabow, K., *Political Parties; Functions and Organisation in Democratic Societies*, Singapore, Konrad Adenauer Stiftung, 2011, p. 12.

61. <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/political-party> > 15.07.2018.

۶۲. برای مطالعه کتابی مختصر و مفید از جمله در خصوص معیارها، کارکردها و سازمان‌دهی گروه‌های سیاسی در جوامع دموکراتیک، ن.ک: Hofmeister & Grabow, *op.cit.*, p. 6 et seq.

63. <https://pachodo.org/latest-news-articles/pachodo-english-articles/2078-roles-and-definition-of-political-parties> > 15.07.2018.

64. Hofmeister & Grabow, *op.cit.*, p. 12.

65. Garner, *op.cit.*, p. 1276.

66. Hofmeister & Grabow, *op.cit.*, pp. 90-92.

ب. مفهوم ژنوسید سیاسی

اصطلاح ژنوسید سیاسی^{۶۷} یا سیاسی کشی^{۶۸} که به نظر می‌رسد بار مفهومی یکسانی دارند و می‌توان آن‌ها را به‌عنوان جایگزین یکدیگر به کار برد،^{۶۹} نسبتاً جدید است که در دهه‌های اخیر به قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری و برخی فرهنگ‌های حقوقی معتبر^{۷۰} وارد شده است. به گواه برخی فرهنگ‌های لغت، این اصطلاح عبارت است از تلاش تدریجی سازمان‌یافته برای کشتار، نابودی و ریشه‌کنی گروه سیاسی و اعتقادات سیاسی اعضای آن.^{۷۱} البته باید توجه داشت که در ادبیات حقوقی معانی مختلفی برای این واژگان مطرح شده است؛ از آن جمله: (۱) تلاش تدریجی اما سازمان‌یافته برای نابودی یک نهاد اجتماعی و سیاسی، همانند نابودی نهاد آپارتاید در افریقای جنوبی؛ (۲) نابودی عمدی فیزیکی یک گروه که اعضای آن به یک جنبش سیاسی مشترک تعلق دارند؛ (۳) عملی که خساراتی جبران‌ناپذیر به جایگاه سیاسی فرد وارد می‌آورد.^{۷۲} اما به نظر می‌رسد مفهوم کم‌وبیش مورد توافق، ترکیبی از این معانی مختلف است و شاید اساساً چنین تمایزی ضروری و مفید هم نباشد.

در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، با وجود اختلاف نظر میان پژوهشگران حوزه ژنوسید،^{۷۳} اغلب آن‌ها بستر اعمال این جنایت را ملیت، قومیت، نژاد یا مذهب می‌دانستند. اما *باربارا هاف آلمانی*^{۷۴} به همراه *تد روبرت گور*، نویسنده فقید امریکایی برای نخستین بار با مطالعه موارد متعدد ژنوسید از جمله در خلال انقلاب‌های کامبوج و شیلی به این نتیجه رسید که در برخی موارد، گروه قربانی آشکارا به علت گرایش‌های سیاسی به‌ویژه در مسیر مخالفت با حکومت مرکزی بود که هدف چنان کشتاری با مؤلفه‌های ژنوسید قرار گرفت. او برای چنین موارد کشتاری، اصطلاح «سیاسی کشی» را برگزید.^{۷۵} آن‌ها مجموعه داده‌های اطلاعاتی را در مورد ژنوسید و ژنوسید سیاسی

67. Political Genocide

68. Politicide

69. در برخی فرهنگ‌های حقوقی نیز این دو اصطلاح آشکارا معادل هم شمرده شده‌اند. برای مثال، ن.ک:

<https://www.wordsense.eu/politicide/> >15.07.2018.70. برخی فرهنگ‌های حقوقی معتبر مانند *بک* هنوز اصطلاح سیاسی کشی را وارد نکرده‌اند؛ کما اینکه این اصطلاح دست‌کم هنوز به‌طور کاملاً گسترده‌ای توسط نویسندگان و دادگاه‌های بین‌المللی به کار نرفته است. Feierstein, *op.cit.*, p. 25971. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/politicide>; <https://www.wordsense.eu/politicide/> >15.07.2018;

در برخی از این فرهنگ‌های لغت، اصطلاح «کشتن سیاسی» (Political killing) نیز در کنار سیاسی کشی آمده است و عبارت است از انکار سازمان‌یافته منابع زیستی به‌عنوان شکلی از سیاسی کشی.

<https://www.wordsense.eu/politicide/> >15.07.2018.72. <https://www.definitions.net/definition/politicide> > 15.07.2018.73. Feierstein, *op.cit.*, pp. 257-260.

74. درباره فعالیت‌های علمی و شغلی وی، ن.ک:

<https://www.ushmm.org/confront-genocide/speakers-and-events/biography/barbara-harff> >15.07.2018.

75. باید بدان توجه داشت که این تعبیر (Politicide) پیش از این از جمله در سال ۱۹۷۲ نیز به کار رفته بود، اما در معنایی کاملاً متفاوت: جنایت علیه صلح جهانی و جنگ و تجاوز. ن.ک:

از سال ۱۹۴۵ توسعه و مبنای مطالعات خود را هم ۴۴ نمونه از موارد ژنوسید تا سال ۱۹۸۵ قرار دادند. این اطلاعات، اساس تجزیه و تحلیل تطبیقی هاف و همکارانش قرار گرفت و آن‌ها فهرستی معین، مشتمل بر مواردی از کشتار دسته‌جمعی ارائه کردند که قربانیان آن گروه‌های سیاسی بودند؛ از جمله در سودان در سال‌های ۷۲-۱۹۵۲ (گروه ملی‌گرایان جنوبی)، چین در سال‌های ۷۵-۱۹۶۶ (قربانیان انقلاب فرهنگی) و نیز در سوریه در سال‌های ۸۲-۱۹۸۱ (گروه اخوان المسلمین).^{۷۶} در نهایت هم هاف در تعریف صریحی که از ژنوسید سیاسی در سال ۲۰۰۳ ارائه داد، آن را ترویج، اجرا و/یا رضایت ضمنی برای اجرای سیاست‌های پایدار دولت حاکم یا نیروهای دولتی دانست که با هدف از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه اجتماعی یا سیاسی یا یک گروه قومی سیاسی شده صورت می‌پذیرد.^{۷۷}

بنابراین در دهه هشتم قرن بیستم، دسته‌بندی نوظهور ذیل ژنوسید شکل گرفت. اما از آنجا که کشتار جمعی گروه‌های سیاسی در کنوانسیون ۱۹۴۸ ژنوسید پیش‌بینی نشده بود، سایر محققان و سیاست‌گذاران به‌طور کامل آن را نپذیرفتند؛ هرچند مکرر به نقض تعریف ژنوسید اشاره می‌شد.^{۷۸} در عین حال، در مسیر اثبات نظریه هاف، نویسندگان و پژوهشگران دیگری هم از ایده او استقبال

Kutner, Luis, "Politicide: The Necessity of an International Court of Criminal Justice", *Journal of International Law and Policy*, vol. 2, 1972, p. 55.

76. Harff & Gurr, 1988, *op.cit.*, pp. 363-365;

در فوریه ۲۰۱۳ کنفرانسی با موضوع ژنوسید (اقدامات جهت پیشگیری؛ نظریه‌ها، سیاست‌ها و راهکارها) در مؤسسه آشویتس برگزار شد و به‌واسطه سهم برجسته دکتر هاف در این حوزه، جایزه لمکین به وی اهدا شد. ن.ک:

<http://www.auschwitzinstitute.org/news/auschwitz-institute-awards-raphael-lemkin-prize-to-genocide-scholar-barbara-harff/> >15.07.2018;

در سال ۱۹۹۴ در پی تقاضای سیاست‌گذاران ارشد ایالات متحده آمریکا، طرحی به منظور کنترل نقاط ضعف دولت در تحمیل برخی رفتارهای خشن تصویب شد. در این میان، مدل هاف به‌عنوان مدلی موفق و مورد اقبال نویسندگان توانست با تجزیه و تحلیل داده‌های موجود، مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر ژنوسید را طرح کند. مدل ارزیابی ریسک او که به‌طور مشخص به موارد احتمالی ژنوسید و سیاسی‌کشی در جنگ‌های معاصر نیز می‌پرداخت و در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، از جمله معطوف پیگیری حوادث سیاسی روزمره، شناسایی عوامل محلی، ملی و بین‌المللی مؤثر بر موقعیت‌های پرخطر برای ارتکاب ژنوسید به‌ویژه با زمینه سیاسی و نهایتاً پیشگیری از موارد ارتکاب بود. پایگاه داده مورد تحلیل در این مدل، حدود ۷۰ دسته از اقدامات و رویدادهایی نظیر کشتار دسته‌جمعی در بوسنی، روندا و کنگو بود. ن.ک:

Harff, Barbara, "No Lessons Learned from the Holocaust? Assessing Risks of Genocide and Political Mass Murder Since 1955", *American Political Science Review*, vol. 97, No.1, 2003, pp. 57-73; Verdeja, Ernesto, "Predicting Genocide and Mass Atrocities", *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, vol. 9, issue 3, 2016, pp. 13-32;

جالب است که هاف مدل خود را در سال‌های بعد نیز به‌روزرسانی کرد و با مصادیق جدید انطباق داد. برای مثال، ن.ک:

Harff, "Assessing Risks...", 2012, *op.cit.*, pp. 1-4;

برای ملاحظه برخی مدل‌های دیگر و مطالعه بیشتر در خصوص پیشگیری از ژنوسید، ن.ک:

Goldstone, Jack A. et al, "A Global Model for Forecasting Political Instability", *American Journal of Political Science*, vol. 54, No. 1, Jan. 2010, pp. 190-208; Feierstein, *op.cit.*, pp. 260-266.

77. Harff, 2003, *op.cit.*, p. 58.

78. Harff, 2009, *op.cit.*, p. 1.

و تلاش کردند آن را بسط دهند؛ همچنان که باروخ که از قضا خود اسرائیلی است،^{۷۹} ضمن تقبیح ضمنی حاکمیت اسرائیل، در کتاب مهم خود تحت عنوان جنگ شارون علیه فلسطینی‌ها، تعریفی مصادقی از سیاسی‌کشی ارائه می‌دهد: «[سیاسی‌کشی] روندی [است] که هدف نهایی آن، امحا و نابودی تدریجی موجودیت مردم فلسطین به‌عنوان نهاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشروع است».^{۸۰} در خصوص ژنوسید سیاسی، معیارها و متغیرهای متنوعی ارائه شده است؛ در حالی که برخی بر نقش عوامل فرهنگی برای ارتکاب این عمل تأکید می‌کنند، گروهی دیگر ایدئولوژی‌های متفاوت را مسبب اصلی کشتارهای سیاسی می‌شمرند. اما در چارچوب حقوقی به نظر می‌رسد نمی‌توان نقش دولت و نمایندگان دولتی را نادیده گرفت.^{۸۱} ممکن است در ابتدای امر، ماهیت عام ژنوسید و نیز گروه‌های سیاسی بدین مسیر رهنمون شود که اساساً مرتکب احتمالی جنایت ژنوسید سیاسی اعم است از عناصر دولتی و غیردولتی، اما رابطه میان حکومت و ایراد فشار بر گروه‌های سیاسی معمولاً در عمل انکارناپذیر است چه این دولت است که هم توان عملی سازمان‌یافتگی و نظم برای چنین اقدام و انگیزه مقابله با گروه‌های سیاسی را دارد زیرا نوک پیکان اقدامات این گروه‌ها متوجه دولت‌ها و شیوه اداره سیاسی آن جامعه توسط حکومت است و بنابراین تقابل احتمالی میان این دو قطب ممکن است در نهایت، کشتار سیاسی را به همراه داشته باشد. در همین راستا شاید بتوان سیاسی‌کشی را نوعی ژنوسید داخلی توسط گروه حاکم دانست که قربانیان آن به دلیل اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک، به‌عنوان گروه هدف در معرض نابودی قرار گرفته‌اند.^{۸۲} ارتکاب ژنوسید سیاسی اغلب در راستای ارتقا و اجرای سیاست و سیاست‌گذاری‌های دولت و نمایندگان آن است و نیز مقدمتاً جایگاه سلسله‌مراتبی قربانیان در یک گروه یا مخالفت سیاسی آن‌ها با رژیم حاکم است که آن‌ها را در جامعه تعریف می‌کند. بنابراین به تصریح هاف و گور، ایفای نقش دولت در ارتکاب این جنایات، عملاً حتمی

۷۹. به نظر می‌رسد او نخستین صاحب‌نظر اسرائیلی است که به‌طور جدی به نقد صهیونیسم می‌پردازد و حتی معتقد است اسرائیل بر ویرانه‌های جامعه دیگر بنا شده است! در خصوص این نویسنده، ن.ک:

<https://www.theguardian.com/news/2007/jun/26/guardianobituaris.israel> >15.07.2018.

80. Kimmerling, Baruch, *Politicide: Ariel Sharon's War against the Palestinians*, London/New York, Verso, 2003, p. 3; See also e.g. Solberg, Clarinda Rae, "Genocide in Rwanda: Recurrence Risk Model Using Two Early Warning Models", Grand Forks, North Dakota, University of North Dakota, Honors Program Committee, for Graduation as a Scholar in the Honors Program, April 2012, pp. 16-23; Gonzalez, *op.cit.*, p. 30 et seq.

81. Harff & Gurr, 1988, *op.cit.*, p. 360.

82. به نظر لمکین، ژنوسید هم لزوماً در راستای طرحی هماهنگ از مجموعه اقدامات مختلف است که نابودی «بنیادهای اساسی حیات» و کلیت گروه قربانی را دنبال می‌کند. بنابراین، در ژنوسید، حیات افراد در مخاطره جدی قرار می‌گیرد تا به‌واقع، موجودیت آن گروه قربانی نابود شود. در نتیجه، اعمال متشکله ژنوسید «... متوجه افراد نه به لحاظ برخورداری از اهلیت فردی بلکه به‌عنوان اعضای گروه ... است».

Lemkin, R., *Le génocide, Revue international de droit pénal*, 1946, no. 10. p. 371;

به نقل از: محمدعلی اردبیلی؛ «کشتار جمعی»، مجله حقوقی، شماره ۱۱، پاییز - زمستان ۱۳۶۸، صص ۳۹-۳۸.

است.^{۸۳} همچنین همان گونه که آن‌ها از همان آغاز بیان و از جمله به کشتار کردها در عراق اشاره می‌کردند،^{۸۴} با وجود همه ظرافت‌های نظری بحث، تفکیک دقیق میان ژنوسید و سیاسی‌کشی در عمل دشوار است و اغلب موارد، ترکیبی از ژنوسید و سیاسی‌کشی^{۸۵} است؛^{۸۶} چه معمولاً جایی این‌گونه اقدامات علیه یکی از گروه‌های چهارگانه رخ می‌دهد که منافع اعضای این گروه‌ها در تقابل با دولت قرار گیرد و این اعضا به‌گونه‌ای هماهنگ علیه قدرت حاکم فعالیت کنند.

۲. ژنوسید سیاسی؛ نگرشی نو به واقعیتی تاریخی

۲-۱. واکاوی برخی واقعیات تاریخی

در درازای تاریخ، کشتارهای جمعی حدیث مکرر است.^{۸۷} تاریخ بشر، گواه کشتار فجیع انسان‌هاست و در این بین، ژنوسیدهای قرن بیستم، بیشترین آمار کشته‌گان را بر جا گذاشت. قتل‌عام صدها ارمنی،^{۸۸} قتل‌عام قومی توسط دولت تمامیت‌طلب هیتلر که طی آن بیش از هفت میلیون یهودی فقط در اتاق‌های گاز نابود شدند،^{۸۹} قتل‌عام قومی - نژادی رواندا که حدود هشت‌صدهزار نفر از اقلیت توتسی قربانی داشت،^{۹۰} تنها نمونه‌هایی است از آنچه بر تاریخ بشر گذشته است.^{۹۱} جنایات

83. Harff & Gurr, 1988, *op.cit.*, p. 360;

البته در سیاسی‌کشی لزومی به اجرای مستقیم کشتار سیاسی توسط دولت حاکم نیست و صرف تهیه مقدمات یا سکوت در مقابل آن توسط گروه رقیب هم به مثابه تحقق جرم مذکور توسط دولت حاکم نگریسته می‌شود؛ کشتار سیاسی کلمبیا طی سال‌های ۵۸-۱۹۴۸ که قریب به یکصدوپنجاه هزار کشته بر جای گذاشت، توسط احزاب سیاسی صورت گرفت. ن.ک:

Maldonado, Silvia Delgado, "Political Participation: An Implied Condition for Enduring Peace in Colombia", *Int. Law: Rev. Colomb. Derecho Int. Bogotá (Colombia)*, no. 23, July/Dec. 2013, pp. 267-318.

84. Harff & Gurr, 1988, *op.cit.*, pp. 359-371.

85. *Geno-politocides*

86. Feierstein, *op.cit.*, p. 259.

87. Harff, 2003, *op.cit.*, p. 57.

۸۸. در آن زمان، از مفهوم ژنوسید هنوز به‌عنوان «جنایتی بدون نام» سخن می‌رفت. سپس دولت‌های فرانسه، بریتانیا و روسیه در اعلامیه مشترک خود (۲۸ مه ۱۹۱۵) مبارزه ترکیه را «جنایت علیه بشریت و تمدن» اعلام کردند. نژندی‌منش؛ همان، ص ۱۵۵؛ ن.ک:

Schabas, *op.cit.*, pp. 20-22.

۸۹. برای مطالعه مطلبی مختصر و مفید و تحلیلی در خصوص فاجعه هالوکاست، ن.ک:

"Teaching about the Holocaust, Genocide and Crimes against Humanity", *Education Working Group Paper on the Holocaust and Other Genocides*, 2010, pp. 1-22; Available at: http://www.un.org/en/holocaustremembrance/EM/partners%20materials/EWG_Holocaust_and_Other_Genocides.pdf >15.07.2018.

۹۰. برای مطالعه پژوهشی در خصوص جنایات رواندا و احتمال ارتکاب مجدد ژنوسید در آن، ن.ک:

Solberg, *op.cit.*, pp. 13-84.

۹۱. برای ملاحظه نمونه‌های ژنوسید در طول تاریخ برای مثال ن.ک: اردیبیلی؛ همان، صص ۳۷-۳۳؛ همچنین:

Dimitrijević, Vojin and Milanović, Marko, "The Strange Story of the Bosnian Genocide Case", *Leiden Journal of International Law*, vol. 21, issue 1, March 2008, pp. 65-94; Roser, Max and Nagdy, Mohamed, "Genocides", 2018; Available at: <https://ourworldindata.org/genocides> >15.07.2018;

برای مطالعه جزئیات بیشتر در خصوص مراحل پلکانی اعمال غیرانسانی تا رسیدن به آستانه ژنوسید، ن.ک:

Mann, *op.cit.*, pp. 111-502.

مشابهی نیز در برخی نقاط دنیا مثلاً علیه مسلمانان میانمار، سودان جنوبی، علیه برخی گروه‌های قومی و نیز افریقای مرکزی علیه مسلمانان و مسیحیان در سال‌های اخیر رخ داد.^{۹۲} حتی برخی سخن از ژنوسید عربستان علیه شیعیان یمن طی سال‌های اخیر نیز به میان آورده‌اند.^{۹۳}

علاوه بر جنگ‌های جهانی، جنگ‌های داخلی نیز رویدادهای سیاسی ویژه‌ای هستند که به شدت مستعد وقوع اعمال غیرانسانی و خشونت‌بار هستند و در برخی از آن‌ها، اعمال خشونت‌های سازمان‌یافته، آشکارا به چشم می‌خورد. در دهه‌های اخیر، اکثر ژنوسیدها، قبل، حین و بعد از انقلابات، جنگ‌های داخلی و فروپاشی رژیم‌های حاکم رخ داده است. عجب آنکه کشته‌گان سرکوب‌های داخلی در نیمه دوم قرن بیستم، بیش از کشته‌گان جنگ‌های بین‌المللی بوده است!^{۹۴}

در برخی ناآرامی‌های داخلی، از جمله جنگ‌های انقلابی و قومی، رهبران سیاسی و نظامی طی روند پیوسته، به جنگ خشونت‌بار با گروه‌های سازمان‌یافته نظیر گروه‌های انقلابی، جنبش‌های اصلاح‌طلب، احزاب سیاسی، حتی اصناف دانشجویی و کارگری می‌پردازند؛ چه این گروه‌ها گاه در قامت رقیب سیاسی دولت، در پی براندازی دولت مرکزی و به دست گرفتن قدرت حاکمه هستند. نمونه‌های این موارد را می‌توان در کوبا (۱۹۵۹)، شوروی سابق و یوگسلاوی سابق (۱۹۹۱) ملاحظه کرد.^{۹۵} این اصطلاح برای توصیف کشتار مبارزان سیاسی ضد کمونیستی یا بورژوا توسط استالین در شوروی به دلیل دیدگاه‌های سیاسی‌شان،^{۹۶} اقدامات سرکوب‌گرانه دولت‌های پاکستان علیه ملی‌گرایان بنگالی (۱۹۷۲)، آرژانتین علیه چپ‌گرایان (۸۰-۱۹۷۶)، عراق علیه ملی‌گرایان کرد (۷۵-۱۹۵۹)، چین علیه ملی‌گرایان تایوانی (۱۹۴۷) و مانند این‌ها به کار می‌رود.^{۹۷} همین طور در مواردی به‌ویژه از

92. Kranz, Michal, "5 Genocides That Are Still Going on Today", Nov. 22, 2017; at: <https://www.businessinsider.com/genocides-still-going-on-today-bosnia-2017-11> > 15.07.2018; See also <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/sep/04/genocide-rohingya-international-community-myanmar-rwanda> > 15.07.2018.

93. ن.ک: «نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در یمن توسط عربستان؛ ابعاد حقوقی و مصادیق» (بخش دوم)، اندیشکده راهبردی تبیین (سری مجموعه مقالات)، فروردین ۱۳۹۶، صص ۹-۳؛ در: <http://tabyincenter.ir/wp-content/uploads/2017/04/A4-18646.pdf> > 15.07.2018.

94. See Harff & Gurr, 1988, *op.cit.*, pp. 363-365.

95. برای مطالعه بیشتر در خصوص انواع بی‌ثباتی‌های داخلی و موقعیت‌های مستعد برای ارتکاب کشتارهای وسیع سیاسی Goldstone et al, *op.cit.*, pp. 191-193. ن.ک:

96. درباره دیدگاه‌های مختلف در این خصوص، ن.ک: O'Sullivan, *op.cit.*, p. 408.

97. برای نمونه‌های بیشتر ارتکاب ژنوسید سیاسی، برای مثال، ن.ک: Verdeja, *op.cit.*, pp. 18-20; Gurr, T. R. and Harff, B., "Minorities at Greatest Risk of Humanitarian Emergencies", Paper Prepared for the WIDER Program on the Political Economic of Humanitarian Emergencies, Uppsala University, Department of Peace and Conflict Research, 30 Sept., 96, pp. 1-39; Harff & Gurr, 1988, *op.cit.*, pp. 364-365; Haaland, Marie, "A Search for a Beginning: A Study of the Origin of Genocide and Politicide", Master in Criminology, Institute of Criminology and Sociology of Law Faculty of Law, University of Oslo, Spring 2012, pp. 134-135; <http://newsinfo.inquirer.net/888566/50-cases-of-political-killings-brought-to-un-rights-body> > 15.07.2018;

برای مطالعه بیشتر در خصوص سه نمونه غیرمشهور در گواتمالا، اوگاندا و سریلانکا، ن.ک:

سال ۱۹۶۷، برخی اقدامات مکرر اسرائیل علیه فلسطینیان به دلیل جهان‌بینی سیاسی متفاوت آن‌ها، مصداق سیاسی‌کشی به حساب می‌آید که کماکان در جریان است.^{۹۸}

در مقایسه هیتلر و استالین می‌توان گفت نگاه عموم در سراسر دنیا به هیتلر به‌مراتب سختگیرانه‌تر و سرزنش‌گرانه‌تر است حال آنکه هر دو به نام حرکت آلمان و شوروی سابق به سوی مدینه فاضله، جان هزاران انسان را گرفتند و کشورها و جوامع خود و نیز شمار بالایی از مردم داخل و خارج از کشورهای خود را نابود کردند. اعدام، کشتار جمعی، اخراج، قحطی، کار اجباری، دستگیری و استنطاق میلیون‌ها نفر توسط استالین و پیروان سیاسی او به دلایل سیاسی در دوره موسوم به «وحشت بزرگ» در قرن گذشته، نشان از شدت و وسعت اعمال سبعانه ارتكابی هم‌سنگ با اعمال مشابه هیتلر و پیروانش دارد.^{۹۹} حتی به استناد آمار معتبر، در برخی موارد، تعداد قربانیان ژنوسیدهای با زمینه سیاسی و کیفیت خشونت به‌کاررفته علیه آن‌ها به‌مراتب بیش از مواردی است که مطابق کنوانسیون ژنوسید به دلیل تعلق به یکی از چهار گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، قطع به یقین، قربانیان ژنوسید شمرده می‌شوند. شاهد مثال آن اعدام و کشتار ناشی از قحطی میلیون‌ها نفر در چین در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۴۸ است که اغلب جنبه سیاسی داشت.^{۱۰۰} برای نمونه، به یکی از تجربه‌های دهشتناک تاریخ در کشتارهای سیاسی کامبوج اشاره می‌شود. در کامبوج در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۵ فارغ از ژنوسید برخی گروه‌های قومی، مانند گروه ویتنامی‌ها، بسیاری از جنایات خمرهای سرخ، خارج از تعریف قانونی ژنوسید قرار می‌گرفت و علت آن، خروج مفهومی قربانیان از گروه‌های چهارگانه بود، حال آنکه روند ژنوسید خمرها با اعدام افراد متحد با رژیم قبلی آغاز شد و با اعدام برخی اعضای خائن آن پایان پذیرفت. این رژیم در تسویه‌حسابی وحشتناک با رژیم قبلی و پیروان و شاغلان آن، از جمله مرتکب کشتار وسیع نخبگان و تحصیل‌کردگان در رژیم قبلی، سوزاندن کتابخانه‌ها و بانک‌ها و دانشگاه‌ها، انهدام کامل مراکز شهری، لغو حقوق و دستمزدهای افراد مربوطه و نیز از بین بردن مالکیت خصوصی آن‌ها، جداکردن اعضای خانواده‌ها و به‌ویژه فرزندان از والدین، اجبار کودکان به فاش کردن وابستگی‌های سیاسی والدین‌شان و نیز کشتن هدف‌مند چهره‌های شاخص مخالفان سیاسی خود شد و بدین‌سان، پاک‌سازی کامل سیاسی و ایدئولوژیکی را در دستور کار خود قرار داد. اقدامات خمرها، همه رهبران احزاب سیاسی مخالف، مقامات محلی، مأموران نظامی و حتی شهروندانی را که «علی‌الظاهر» در شمار مخالفان سیاسی خمرها بودند و

Harff, 2003, *op.cit.*, pp. 59-61.

98. Kimmerling, *op.cit.*, pp. 23, 79, 154 et seq. & 199-217.

99. Norman Naimark, in: Haven, Cynthia, "Stalin Killed Millions. A Stanford Historian Answers the Question, Was It Genocide?", Sept. 23, 2010, at: <https://news.stanford.edu/2010/09/23/naimark-stalin-genocide-092310/> > 15.07.2018.

100. "Genocide and Political Mass Killing in the World Since 1900: Summary of Major Events", at: <http://www.krazykioti.com/articles/genocide-and-political-mass-killing-in-the-world-since-1900-summary-of-major-events/> > 2018/15/07.

نیز خانواده و دوستان آنان را در برمی‌گرفت و شناسایی این افراد بر عهده شبکه گسترده‌ای از جاسوس‌های خمرها بود. حتی در سال ۱۹۷۶ عده‌ای از کادر قبلی خمرهای سرخ نیز به اتهام خیانت و فتنه‌افکنی و نیز اتحاد با ویتنام، تحت شکنجه‌های سهمگین قرار گرفتند و با اعترافات سنگین تحت این شکنجه‌ها سرانجام اعدام شدند. در آن بازه زمانی، از هر پنج اعدامی، چهار تن متعلق به کادر قبلی خمرهای سرخ بود!^{۱۰۱}

البته باید به این نکته هم توجه داشت که اقدامات دولت‌ها در تقابل با گروه‌های فعال سیاسی داخلی، لزوماً مرادف با سیاسی‌کشی یا ژنوسید سیاسی نیست، چه اصولاً در حقوق کیفری، اعم از داخلی و بین‌المللی، ارکان سه‌گانه جرایم باید موجود باشد تا بتوان یک واقعیت خارجی را بر آن منطبق دانست و پرواضح است که این نکته در خصوص شدیدترین جنایات بین‌المللی حساسیت بالاتری نیز دارد.

۲-۲. ارکان ژنوسید سیاسی

الف. رکن مادی

ماده ۴ کنوانسیون ژنوسید، ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و قاعده مشابه در حقوق بین‌الملل عرفی^{۱۰۲} افعالی را که ممکن است به ژنوسید ختم شود توصیف می‌کنند و آن چنان‌که گفته شد، از جمله عبارت است از کشتن افراد یکی از گروه‌های چهارگانه یا ایراد صدمات جدی بدنی یا روانی به آن‌ها.^{۱۰۳} صرف‌نظر از چالش‌های مختلف این رکن ژنوسید نظیر مفهوم جمعیت، آنچه در این بخش مورد توجه است، ظرفیت انطباق این اعمال با ژنوسید سیاسی است.

با عنایت به مصادیق ژنوسید در مقررات نام‌برده، این موارد می‌تواند رکن مادی ژنوسید سیاسی باشد: قتل، زندانی کردن، تبعید و ایجاد محدودیت‌های ارتباطی،^{۱۰۴} شکنجه، ایراد صدمه شدید جسمی یا روانی، تهدید، تجاوز جسمی و روانی، ایجاد شرایط نامناسب جهت ادامه فعالیت، مانند اخراج از دانشگاه و سازمان‌های متبوع، توقیف اموال، محرومیت از حقوق اجتماعی، محرومیت از فعالیت‌های اقتصادی، محرومیت از انتخابات، مهندسی انتخابات به نفع گروه حاکم، جلوگیری از تبلیغات و گسترش حزبی،

101. Schaack, Beth Van, "The Crime of Political Genocide: Repairing the Genocide Convention's Blind Spot", *The Yale Law Journal*, vol. 106: 2259, 1997, pp. 2269-2271.

۱۰۲. کسسه؛ همان، ص ۱۱۸.

۱۰۳. کمیسیون حقوق بین‌الملل و برخی نویسندگان، جنایت ژنوسید را منقسم به دو نوع فیزیکی و بیولوژیکی می‌دانند. ن.ک: بیگزاده؛ همان، صص ۸۱-۸۰.

۱۰۴. «پاک‌سازی قومی» (Ethnic Cleansing) خارج از شمول ژنوسید در مقررات مربوط است. اما در عمل، محاکم رسیدگی برخوردار دوگانه در این خصوص داشته‌اند. ن.ک: کسسه؛ همان، صص ۱۲۰-۱۱۹؛ همچنین ن.ک: ستار عزیز؛ «عناصر جنایت ژنوسید در رأی ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه دادگاه‌های ویژه بین‌المللی کیفری»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۶، بهار-تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۱-۱۸.

سرکوب روانی با قصد حذف گروه سیاسی مخالف و نیز نخبه‌کشی علیه یک گروه سیاسی.^{۱۰۵} بدیهی است برای آنکه این اعمال، مصداق سیاسی‌کشی به حساب آید، سایر ارکان جرم نیز باید موجود باشد. از آنجا که سلب حیات از اعضای یک گروه، شدیدترین مصداق ژنوسید است و استیفای تمامی حقوق انسانی در گرو وجود حق حیات است، توجهی دوچندان بدان ضروری به نظر می‌رسد. می‌توان کشتار سیاسی را با توجه به اهداف و سیاست‌های دولت در اجرا به مصادیق مشخصی تقسیم نمود: (۱) کشتار سیاسی تنبیهی؛^{۱۰۶} این کشتار اغلب پس از تغییر رژیم و خشم و تنفر دولت وقت از دولت گذشته و تخطی‌های احتمالی آن‌ها رخ می‌دهد و اعضای حکومت پیشین هدف قرار می‌گیرند. خشونت هتوها در برابر طبقه پیشین حاکم و توتسی‌ها در رواندا طی سال‌های ۶۴-۱۹۶۳ نمونه‌ای از این نوع است. (۲) کشتار سیاسی سرکوبگرانه؛^{۱۰۷} در این نوع، گروه‌های سیاسی مخالف، به‌شده علیه حکومت فعالیت می‌کنند و دولت به دلیل احساس خطر سیاسی، به سرکوبگری و گاه قتل‌عام این احزاب و جنبش‌های سیاسی دست می‌زند. نمونه این مورد که شایع‌ترین نوع کشتار سیاسی پس از جنگ جهانی دوم است کشتارهای سیاسی در السالوادور و آرژانتین است. (۳) کشتار سیاسی انقلابی؛^{۱۰۸} گاه دولت اقدام به انهدام آن گروه‌های سیاسی می‌کند که هدف‌شان مبتنی بر ایدئولوژی‌های انقلابی است. کشتارهای رژیم مارکسیستی در شوروی سابق پس از ۱۹۴۵ و نیز رفتار نازی‌ها با مخالفان سیاسی خود پس از ۱۹۳۲ نمونه‌هایی از این مورد است. (۴) کشتار سیاسی سرکوبگرانه - سلطه‌جویانه؛^{۱۰۹} در اینجا اعضای گروه قربانی علاوه بر همسویی در مخالفت با دولت، یک گروه قومی یا ملی بوده که به علت داشتن اشتراکات دائمی و جدایی‌ناپذیر نیز متمایزند. در اغلب این موارد، با پایان‌پذیرفتن مقاومت گروه هدف، سرکوب دولت نیز خاتمه می‌پذیرد، چه هویت سیاسی قربانیان است که آن‌ها را هدف سرکوب قرار داده است و نه هویت قومی یا ملی آن‌ها. کشتار دست‌کم ده هزار فعال سیاسی تایوانی توسط ملی‌گرایان چین (۱۹۴۷) نمونه‌ای از این مورد است.^{۱۱۰}

105. Harff, Barbara, "Assessing Risks of Genocide and Politicide", in: Marshall, M. G. and Gurr, T. R. (eds.), *Peace and Conflict 2005: A Global Survey of Armed Conflicts, Self-Determination Movements and Democracy*, CIDCM, 2005, pp. 2-3; Available at: http://www.genocidewatch.org/images/AboutGen_Assessing_Risks_of_Genocide_and_Politicide.pdf > 15.07.2018; Harff, Barbara, "Assessing Risks of Genocide and Politicide: A Global Watch List for 2012", in: Hewitt, J. J. (ed.), *Peace and Conflict 2012*, Taylor and Francis Group, 2012, pp. 1-4; available at: http://www.genocidewatch.org/images/Global_Watch_List_-_Harff_2012.pdf > 15.07.2018.

106. Retributive politicide

107. Repressive politicide

108. Revolutionary politicide

109. Repressive/Hegemonial politicide

110. Harff, B. and Gurr, T. R., "Victims of the State: Genocides, Politicides and Group Repression Since 1945", *International Review of Victimology*, vol. 1, 1989, p. 29;

برای مطالعه بیشتر در خصوص آثار و پیامدهای کشتار سیاسی از جمله بر ترکیب جمعیتی، ن.ک:

اما برای شناسایی سیاسی‌کشی در ارتکاب موارد فوق باید به معیارهای خاصی نیز توجه مضاعف نشان داد. اقدامات سیاسی‌کشی اغلب از طرف حکومت مشروع حاکم بر گروه‌های سیاسی داخلی مخالف تحمیل می‌شود.^{۱۱۱} در بسیاری از موارد، کشتار و قتل‌های حاصل از سیاسی‌کشی ناشی از وضعیت بی‌ثباتی سیاسی کشور است که حکومت را وامی‌دارد در جستجوی ثبات سیاسی، به جنایات و سرکوب روی آورد. اما از آنجا که قدرت مشروع مرتکب این جنایت می‌شود، در سطح داخلی نوعی مشروعیت به این اعمال داده می‌شود و آمار پنهان تلفات و قربانیان آن در مقایسه با ژنوسید بیشتر است.^{۱۱۲} قربانیان سیاسی‌کشی هم به دلیل عضویت در گروه‌ها و احزاب سیاسی مخالف تعیین می‌شوند و علت انتخاب‌شان، هویت اکتسابی و موقعیت اجتماعی - سیاسی آن‌ها در جامعه است. البته وجه بارز گروه‌های سیاسی، اقدامات سیاسی غیرنظامی و صلح‌آمیز است که در اکثر قریب به اتفاق موارد با حسن‌نیت و اهداف پاک در جهت رسیدن به اهداف و آرمان‌های آن‌ها صورت می‌گیرد و گروه‌های سیاسی - نظامی مانند گروه‌های تکفیری اساساً از تعریف سیاسی‌کشی خارج می‌شوند.^{۱۱۳}

ب. رکن معنوی

عنصر معنوی ارتکاب ژنوسید، طبق اساسنامه رم و نیز کنوانسیون ژنوسید، قصد نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین است. این قصد، «نیت خاص»^{۱۱۴} ارتکاب ژنوسید شمرده می‌شود و طبیعتاً این علاوه بر قصد ارتکاب عناصر مادی یادشده برای این جنایت است.^{۱۱۵} بدیهی است که این «قصد و نیت بسیار خاص»^{۱۱۶} می‌تواند علیه گروه‌های سیاسی نیز مصداق یابد. در این میان، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که

Rogall, Thorsten and Yanagizawa-Drott, David, "The Legacy of Political Mass Killings: Evidence from the Rwandan Genocide" (A Project), Sept. 2013, pp. 1-42; Available at: https://projects.iq.harvard.edu/files/bwgape/files/legacy_of_rwandan_genocide.pdf > 15.07.2018.

۱۱۱. بسیاری از نویسندگان ژنوسید را جرمی دولتی (Crime of the State) می‌دانند و معتقدند در موارد غیردولتی نیز پشتیبانی دولت قطعی است.

Gonzalez, E. A. G., "The Onset of Genocide/Politicide: Considering External Variables", PhD Thesis in Political Science, Department of Political Science of the College of Arts and Sciences, University of Cincinnati, July 2015, p. 12.

۱۱۲. *Ibid.*, pp. 3-7; see also Harff, "Explaining and ..., *op.cit.*, pp. 2-3;

همچنین برای مطالعه بیشتر در خصوص تفکیک معیارهای داخلی ارتکاب ژنوسید و ژنوسید سیاسی (مانند نوع رژیم حاکم) و معیارهای خارجی آن (مانند حمایت سایر دولت‌ها)، ن.ک: Gonzalez, *op.cit.*, pp. 21-27.

۱۱۳. در همین راستا برخی نویسندگان در تعریف سیاسی‌کشی بر مشروعیت گروه سیاسی قربانی تأکید می‌ورزند. برای مثال، Kimmerling, *op.cit.*, pp. 3-4. ن.ک:

۱۱۴. *Dolus specialis*

۱۱۵. عزیزی؛ «عناصر جنایت ... همان، ص ۲۵.

۱۱۶. آرش‌پور و زحمتکش؛ همان، ص ۲۱۷.

«قصد و انگیزه با هم مترادف نیستند»^{۱۱۷} و مواد یادشده نیز اشاره‌ای به انگیزه نکرده‌اند.^{۱۱۸} در واقع، واقع، از آنجا که اثبات انگیزه، مانعی در برابر تعقیب است و کار را برای احراز ژنوسید بسیار دشوار می‌کند، هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف در زمان تدوین اسناد با ضرورت آن برای تحقق ژنوسید مخالفت کردند.^{۱۱۹} در عین حال نمی‌توان انکار کرد که در بسیاری از موارد می‌توان با مراجعه و مذاقه در انگیزه و بستر اتفاقات، عنصر معنوی این جنایت را کشف و احراز کرد. در ادامه به برخی از دلایل و انگیزه‌های محرک قدرت حاکم برای ارتکاب ژنوسید سیاسی اشاره می‌شود. یکی از انگیزه‌های دولت‌ها برای ارتکاب سیاسی کشی، متعاقب وقوع جنگ‌های داخلی بین دولت حاکم و گروه‌های سیاسی رقیب نمود می‌یابد. گاه دولت‌ها بعد از پیروزی و غلبه بر مخالفان داخلی، اقدام به ریشه‌کنی گروه‌های مخالف می‌کنند. کشتار شورشیان ارتش جمهوری دموکراتیک کنگو در خلال سال‌های ۹۷-۱۹۹۴ نمونه آن است. در برخی موارد نیز پس از شکست خوردن کودتا، دولت حاکم، اقدام به حذف گروه‌های مخالف می‌کند که نمونه آن کشتار صرب‌ها در بوسنی است.^{۱۲۰}

در حکومت‌های دیکتاتوری هم انگیزه مشخص بقا در رأس قدرت ممکن است کشتارهای سیاسی را در سطح وسیع رقم زند؛ حال آنکه در حکومت بر پایه دموکراسی، علی‌القاعده تمامی گروه‌ها و افراد در جامعه می‌توانند عقاید خود را طی فرایند منطقی بیان نموده و حتی در اعمال قدرت مرکزی نیز ایفای نقش کنند. یکی از شاخصه‌های مهم در اعمال استبداد و متعاقباً احتمال وقوع سیاسی کشی، تعلق سران حاکمیت به گروه اقلیت است. چنانچه این گروه حاکم، در مقابل اکثریت معترض، حیات خود را در مخاطره ببیند ممکن است دست به خشونت بزند و از آن جمله است رفتار رژیم قومی تایگرایان در اتیوپی. در این میان نباید نقش شبه‌نظامیان حامی گروه حاکم را نیز از یاد برد. گاه دولت از برخی شبه‌نظامیان حمایت مالی و نظامی می‌کند و گروه‌های مسلح شبه‌نظامی هم می‌کوشند در پیشبرد اهداف دولت، نیابتاً ایفای نقش و گروه‌های مخالف آن را سرکوب کنند. البته این گروه‌های مسلح، به دنبال منافع خصوصی خود نیز هستند. در منطقه دارفور، در پی اقدامات شبه‌نظامیان حامی دولت سودان، تقریباً دو میلیون نفر آواره شدند و ۱۸۰ هزار نفر نیز جان باختند. همچنین در کشور ساحل عاج، لورنت گاباگو با کمک مستقیم و اعمال خشونت گروه شبه‌نظامی پاتریوت‌های جوان بر مسند قدرت ماند. در برخی از موارد هم مشاهده می‌شود که بعد از سقوط قدرت مرکزی، گروه‌های سیاسی اقدام به تسویه حساب‌های شخصی از طریق اعمال خشونت می‌کنند که شدیدترین نوع این خشونت‌ها حذف نخبگان گروه‌های رقیب از طریق قتل،

۱۱۷. شبت؛ همان، ص ۴۹.

۱۱۸. آرای بین‌المللی کیفری به‌صراحت به این امر توجه کرده‌اند. ن.ک: عزیز؛ «حمایت از حق ...»، همان، صص ۱۵۷-۱۵۶.

۱۱۹. شبت؛ همان، ص ۴۹.

120. Uzonyi, Gary, "Civil War Victory and the Onset of Genocide and Politicide", *International Interactions*, vol. 41, 2015, p. 368.

حبس، انتقال و تبعید اجباری، قطع ارتباطات هسته مرکزی گروه با اعضای آن و مانند اینهاست.^{۱۳۱}

ج. رکن قانونی؛ محور چالش در احراز ژنوسید سیاسی

ملاحظه شد که سابقه قانونگذاری ژنوسید چندان طولانی نیست و جرم‌انگاری ژنوسید نسبتاً جدید است، در حالی که این عمل در طول تاریخ همواره وجود داشته است. در همین راستا این حقیقت را نباید نادیده گرفت که به هر روی، اعمال مجازات برای جرم نیازمند جرم‌انگاری قانونی آن است، چه یکی از بنیان‌های اصیل عدالت کیفری، رعایت اصول قانونی بودن جرم و مجازات^{۱۳۲} است و عدم رعایت آن، ضربه‌ای مهلک بر بدنه عدالت کیفری است.^{۱۳۳} بنابراین برای احراز سیاسی‌کشی، علاوه بر ارکان مادی و معنوی، یافتن بنیان قانونی آن نیز ضروری است.

از آنجا که بررسی کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده، یکی از ابزارهای تفسیر صحیح آن است،^{۱۳۴} فرایند پیش از تصویب کنوانسیون ژنوسید به اختصار مطالعه می‌شود. پیش‌نویس اولیه کنوانسیون ژنوسید، با الهام از رویکرد موسع لمکین،^{۱۳۵} پنج گروه ملی، قومی، نژادی، مذهبی و سیاسی را به صراحت مشمول جنایت مورد بحث برشمرده بود. اما در کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد، نمایندگان کشورها بر سر گنجاندن یا حذف این گروه از شمار گروه‌های تحت حمایت کنوانسیون اختلاف نظر عمیقی پیدا کردند. در نهایت پس از رأی‌گیری مجدد به پیشنهاد نمایندگان مصر، ایران و اروگوئه، حذف گروه‌های سیاسی از شمول ماده ۲ رقم خورد که با مخالفت شدید برخی گروه‌ها و انجمن‌ها مواجه شد. اگرچه دلیل اصلی اغلب دولت‌های خواهان حذف گروه‌های سیاسی، پرهیز آنان از قرارگرفتن در معرض اتهامات احتمالی آتی بود، عذر آشکار آن‌ها، فقدان ضابطه‌های مشخص برای شناسایی چنین گروه‌هایی^{۱۳۶} عنوان شد.^{۱۳۷} در مقابل، منتقدان با اشاره مکرر به نقص تعریف ژنوسید، به عدم حمایت کافی از گروه‌های سیاسی اشاره می‌کردند.^{۱۳۸}

121. Mitchell, Neil J. et al., "The Impact of Pro-Government Militias on Human Rights Violations", *International Interactions*, vol. 40, no. 5, 2014, pp. 813-816.

122. Nullum crimen sine lege (No crime without law); Nulla poena sine lege (No penalty without law)

۱۲۳. ابراهیمی؛ همان، ص ۱۸۱؛ ن.ک:

Kreß, Claus, "Nulla poena nullum crimen sine lege", *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law, Heidelberg and Oxford University Press, 2010, pp. 1-10.

۱۲۴. ن.ک: ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ وین در خصوص حقوق معاهدات.

125. Schabas, *op.cit.*, p. 27.

۱۲۶. این در حالی است که امروزه ضابطه‌های روشنی در تمیز گروه‌های سیاسی ارائه شده است. برای مثال، ن.ک:

Hofmeister & Grabow, *op.cit.*, pp. 10-80.

127. See: *Yearbook of the United Nations*, New York, Department of Public Information, United Nations, Lake Success, 1948-49, pp. 953-959.

128. Harff, "Explaining and Preventing ...", *op.cit.*, p. 1.

در زمان تصویب کنوانسیون که عیناً مبنای اساسنامه رم و قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نیز قرار گرفت،^{۱۲۹} پیوند ناگسستنی ژنوسید سیاسی با دولت‌ها به‌عنوان مانعی سیاسی مطرح بود، چه اساساً سیاست با قدرت ارتباط نزدیک دارد و قدرت هم در ساختار جامعه مستقیماً به دولت مربوط می‌شود.^{۱۳۰} با توجه به همین امر، دولت‌ها نمی‌خواستند خود را در مظان اتهامات احتمالی قرار دهند. بنابراین گروه‌های سیاسی را از شمول تعریف ژنوسید خارج کردند و بدین‌سان هدف اولیه اسناد مورد بحث که رعایت کرامت انسانی و حفظ حیات انسان‌ها بود، مغلوب مصالح سیاسی دولت‌ها شد و حتی به اعتقاد نمایندگان بریتانیا، شوروی سابق و آمریکا، گنجاندن گروه‌های سیاسی در تعریف ژنوسید، منجر به تضعیف کنوانسیون ژنوسید و دلسردی برخی دولت‌ها از امضای کنوانسیون می‌شد.^{۱۳۱} همچنین برخی مخالفان جرم‌انگاری ژنوسید علیه گروه‌های سیاسی، بر فقدان یکدستی کافی، عدم ثبات و دوام‌نداشتن نسبی این گروه‌ها تکیه می‌کردند. آن‌ها ضمن پذیرش اینکه علی‌القاعده تعاریف باید تا حدودی منعطف باشند تأکید می‌کردند برخی ویژگی‌های مفهوم حقوقی، آن‌چنان اساسی است که نمی‌توان آن‌ها را به‌سادگی نادیده گرفت و اصالت و دایمی بودن فصل مشترک اعضای گروه‌های هدف برای ارتکاب ژنوسید از آن جمله است. در نتیجه باید گروه‌های سیاسی را از محدوده این جنایت خارج کرد. گروهی از مخالفان نیز علاوه بر گذرا و موقتی بودن عضویت در گروه‌های سیاسی، بر احساسی و هیجانی بودن و حتی «جوزدگی» افراد در ابراز مخالفت‌های سیاسی، به‌طور مشخص در امریکای لاتین تأکید می‌کردند و بنابراین گروه‌های سیاسی را فاقد اصالت واقعی سیاسی برشمردند.^{۱۳۲} حتی هنوز هم برخی معتقدند تعریف موسع از ژنوسید از قدرت واقعی این مفهوم حقوقی در بازدارندگی و مجازات مرتکبین آن می‌کاهد، چه ارتکاب آن به مثابه عمل غیرقانونی عادی در دنیای مدرن، طبیعتاً واکنش کمتری برمی‌انگیزد و ممکن است هولناک بودن انجام آن و به تبع آن، ضرورت مقابله با آن در ذهن جامعه بین‌المللی و اعضای این جامعه کمرنگ شود.^{۱۳۳} این در حالی است که خروج برخی از گروه‌های انسانی مشتمل بر گروه‌های سیاسی از تعریف آن، اساساً با هدف جرم‌انگاری ژنوسید که پیشگیری و مبارزه با نابودی نظام‌مند گروه‌های انسانی است مغایرت داشته، نوعی مصونیت برای مرتکبین ژنوسید علیه گروه‌های سیاسی ایجاد می‌کند؛ سیاسی‌کشی در وصف اعضای گروه قربانی از ژنوسید متمایز است، اما هدف مشترک هر دو، حذف افراد خاص از جامعه یا بدنه حکومت است. به‌علاوه یکی از اهداف

۱۲۹. کسسه؛ همان، ص ۱۲۹.

130. Gonzalez, *op.cit.*, p. 12.

131. Kuper, Leo, "International Action against Genocide" (*Iss. 53 of MRG Report*), Minority Rights Group Publisher, 1984, pp. 3-16.

132. Schaack, *op.cit.*, pp. 2264-2265.

133. Kinzer, Stephen, "Not All Atrocities Are Genocide", Jan. 19, 2018; at: <https://www.bostonglobe.com/opinion/19.01.2018/not-all-atrocities-are-genocide/2us3mo5bdihur11nbiqvm/story.html> > 15.07.2018.

غایبی حقوق کیفری، اعم از داخلی و بین‌المللی، شناسایی ارزش‌های بنیادین انسانی و پاسخگویی مناسب به نقض این ارزش‌ها مشتمل بر حفظ حیات و کرامت انسان‌هاست.^{۱۳۴} در همین راستا به درستی گفته می‌شود ممنوعیت ژنوسید به‌عنوان قاعده آمره و نیز اعمال اصل صلاحیت جهانی، شمولی به‌مراتب گسترده‌تر از اسناد بین‌المللی مربوطه دارد و بنابراین باید ژنوسید سیاسی، این نقطه کور مفهوم قراردادی ژنوسید را نیز به رسمیت شناخت.^{۱۳۵} همچنین یکی از محورهای تلاش نظام جهانی در پیشگیری و مقابله با جنایات بین‌المللی، مبارزه با قساوت جمعی و صدمه به وجدان نوع بشر است که از اصلی‌ترین عوامل مبارزه همگانی با این جنایات بوده است؛^{۱۳۶} امری که در قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد در مقام بیان آمرانگی ممنوعیت ژنوسید نیز بر آن تأکید شده است.^{۱۳۷} و قانونگذاری داخلی برخی کشورها نظیر فرانسه، پرتغال، ایتالیایی و پرو در جرم‌انگاری ژنوسید علیه گروه‌های سیاسی نیز مؤید آن است.^{۱۳۸} طبیعتاً استثناکردن برخی گروه‌ها از این معیار، مبتنی بر وجدان جهانی در احراز ژنوسید، پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد، به‌ویژه آنکه خروج گروه‌هایی غیر از موارد چهارگانه از ژنوسید، اساساً اصل برابری در مقابل قانون^{۱۳۹} را هم به‌واسطه اعمال استانداردهای دوگانه مخدوش می‌سازد.^{۱۴۰} و نظام حقوق بشر را با نوعی فقدان یکدستی درون‌سیستمی مواجه می‌سازد، چه گروه‌های مختلف، تنها به دلیل جنس گروه متبوع خود که می‌تواند سیاسی یا مثلاً مذهبی باشد، مشمول رفتارهای متفاوت حقوقی می‌شوند و این ناقص اصل مزبور است و چه‌بسا نوعی «عدالت خودسرانه و سلیقه‌ای»^{۱۴۱} را رقم زند.^{۱۴۲}

نتیجه

ملاحظه شد که ژنوسید سیاسی دارای همان ارکان مادی و معنوی ژنوسید اما در چارچوبی سیاسی است و معمولاً توسط دولت حاکم ارتکاب می‌یابد و قربانیان آن به دلیل اعتقادات و وابستگی‌های سیاسی و ایدئولوژیک و مخالفت با جریان سیاسی حاکم، به‌عنوان گروه هدف گزینش می‌شوند. در این جنایت، هم‌پای ویژگی قربانیان که وجه بارز تعریف است، ترکیبی از اهداف، انگیزه و جهان‌بینی

134. Haaland, *op.cit.*, pp. 4-7.

135. Schaack, *op.cit.*, pp. 2261-2262; 2277 et seq.

136. اساساً یکی از دلایل اینکه در طول تاریخ دولت‌ها با قساوت به گروه‌های خاصی حمله کرده‌اند، همسوی بودن اعضای این گروه‌ها در ایجاد تغییر در مناسبات قدرت شمرده می‌شود. ن.ک:

Harff & Gurr, "Victims of the ...", *op.cit.*, p. 24.

137. A/RES/96(I); *The Crime of Genocide*

138. See: Schaack, *op.cit.*, pp. 2282-2283.

139. Equality before the law

140. Feirstein, *op.cit.*, p. 259.

141. Arbitrary justice

142. Schaack, *op.cit.*, pp. 2283, 2290.

دولت‌ها و نیز روابط موجود در ساختار قدرت، حائز اهمیت بسیار است. در این میان، بحث عنصر قانونی همچون حصراری در مقابل شناسایی ژنوسید سیاسی قد برافراشته است. در حالی که مقررات قراردادی و چه‌بسا حقوق بین‌الملل هنوز این جنایت را به‌طور مشخص در دل خود جای نداده‌اند و در عمل هم در موارد بسیاری ژنوسید و سیاسی‌کشی با هم درآمیخته‌اند، به نظر می‌رسد انتقاداتی اصولی نظیر نقض اصل برابری در مقابل قانون، بر این امر وارد است. بنابراین استثنای گروه‌های سیاسی از شمول گروه‌های مورد حمایت در جرم‌انگاری ژنوسید، دیگر با وجدان عمومی جامعه جهانی سازگار نیست. به‌علاوه اساساً بدون گروه‌های سیاسی متنوع، اعم از موافق و مخالف با قدرت حاکم، دموکراسی مدرن، قادر به عملکرد درست خود نخواهد بود و حیات این گروه‌ها در تحلیل نهایی، نفع مردم جامعه را به همراه خواهد داشت.^{۱۴۳} بنابراین مقابله خشونت‌آمیز دولت‌ها با آن‌ها باید مستوجب مجازاتی هم‌ردیف با ژنوسید علیه گروه‌های چهارگانه باشد. برخلاف نظریه‌پردازان اولیه ژنوسید، در چند دهه اخیر، واکاوی‌هایی در معنای این مفهوم صورت پذیرفته است که بیش از آنکه بر واژگان تأکید کند، بررسی هنجاری و تبیین افق رفتار و زندگی انسان مدرن را محور قرار داده است. این واکاوی‌ها تعریف‌های مدرن و به‌روزی از انسان در ارتباط با ژنوسید ارائه می‌دهد و بدین‌سان به نظر می‌رسد اشخاصی که خود را از مجازات ژنوسید کلاسیک مصون می‌دیدند، دیگر نباید از آن امنیت سابق برخوردار باشند. بهتر آن است تا با به‌روزرسانی اسناد بین‌المللی و معنای ژنوسید بر اساس تمدن روز، سایر اقدامات سببانه واجد ارکان مادی و معنوی ژنوسید نیز مشمول مجازات ژنوسید شود.^{۱۴۴} به نظر می‌رسد این رویکرد، کوششی ارزشمند خواهد بود همگام با جنبش بی‌کیفرمانی که تحولی است شگرف در پهنه حقوق بین‌الملل کیفری. در عین حال نمی‌توان انکار کرد که به دلیل اینکه عاملین جنایت مورد بحث، اغلب دولت‌ها هستند، نتایج حاصل از این اقدام، بر نظام بین‌المللی تأثیر می‌گذارد و بنابراین شاید هنوز زمان زیادی تا تغییرات مطلوب در این زمینه باقی باشد.

143. Hofmeister & Grabow, *op.cit.*, p. 91.

144. See: Uzonyi, *op.cit.*, pp. 367-374.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- شبت، ویلیام ا؛ مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه: سیدباقر میرعباسی و حمید الهوئی نظری جنگل، ۱۳۸۴.
- کسسه، آتونبو؛ حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران و دیگران، جنگل، ۱۳۸۷.
- نژندی منش، هیبت...؛ حقوق بین‌المللی کیفری در رویه قضایی، خرسندی، ۱۹۹۴.

- مقاله

- اسکندری، محمدحسین؛ «نگاهی به مفهوم سیاست»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۷۸.
- ابراهیمی، سیدنصرالله؛ «درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن»، مجله حقوقی، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۷.
- اردبیلی، محمدعلی؛ «گشتار جمعی»، مجله حقوقی، شماره ۱۱، پاییز - زمستان ۱۳۶۸.
- آرش پور، علیرضا و مجید زحمتکش؛ «ظرفیت‌های نظم کنونی حقوق بین‌الملل در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و چهارم، شماره ۵۷، پاییز - زمستان ۱۳۹۶.
- بیگزاده، ابراهیم؛ «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱-۲۲، زمستان ۱۳۷۶ - تابستان ۱۳۷۷.
- حیدری، حمید؛ «نظریه صلح دموکراتیک»، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷.
- عزیزی، ستار؛ «حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶.
- عزیزی، ستار؛ «عناصر جنایت ژنوسید در رأی ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه دادگاه‌های ویژه بین‌المللی کیفری»، مجله حقوقی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- عزیزی، ستار و محمد حاجی؛ «تعامل بین ممنوعیت قراردادی نسل‌کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل‌کشی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵، ۱۳۹۰.
- «نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در یمن توسط عربستان؛ ابعاد حقوقی و مصادیق» (بخش

دوم)، اندیشکده راهبردی تبیین (سری مجموعه مقالات)، فروردین ۱۳۹۶، صص ۹-۳؛ قابل دسترس در:

<http://tabyincenter.ir/wp-content/uploads/2017/04/A4-18646.pdf>>15.07.2018.

- نظری، علی اشرف؛ «چرخش مفهوم سیاست و بازآفرینی امر سیاسی: درک زمینه‌های هستی‌شناختی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.

ب. انگلیسی

- Books

- Garner, Bryan A. (ed. in chief), *Black's Law Dictionary*, WEST, 9th ed., 2009.
- Hofmeister, W. and Grabow, K., *Political Parties; Functions and Organisation in Democratic Societies*, Singapore, Konrad Adenauer Stiftung, 2011.
- Karganović, Stephen and Simić, Ljubiša, *Rethinking Srebrenica*, New York, Unwritten History, Inc., 2013.
- Kimmerling, Baruch, *Politicide: Ariel Sharon's War against the Palestinians*, London/New York, Verso, 2003.
- Kuper, Leo, "International Action against Genocide (Iss. 53 of MRG Report)", Minority Rights Group Publisher, 1984.
- Mann, Michael, *The Dark Side of Democracy; Explaining Ethnic Cleansing*, New York, Cambridge University Press, 2005.
- Schabas, W. A., *Genocide in International Law; The Crimes of Crimes*, Cambridge University Press, 2000.
- *Yearbook of the United Nations*, New York, Department of Public Information, United Nations, Lake Success, 1948-49.

-Theses

- Gonzalez, E. A. G., "The Onset of Genocide/Politicide: Considering External Variables", PhD Thesis in Political Science, Department of Political Science of the College of Arts and Sciences, University of Cincinnati, July 2015.
- Haaland, Marie, "A Search for a Beginning: A Study of the Origin of Genocide and Politicide", Master in Criminology, Institute of Criminology and Sociology of Law Faculty of Law, University of Oslo, Spring 2012.
- Solberg, Clarinda Rae, "Genocide in Rwanda: Recurrence Risk Model Using Two Early Warning Models", Grand Forks, North Dakota, University of North Dakota, Honors Program Committee, For Graduation as a Scholar in the Honors Program, April 2012.

- Articles

- “Teaching about the Holocaust, Genocide and Crimes against Humanity”, *Education Working Group Paper on the Holocaust and Other Genocides*, 2010; Available at: http://www.un.org/en/holocaustremembrance/EM/partners%20materials/EWG_Holocaust_and_Other_Genocides.pdf > 15.07.2018.
- Akhavan, Payam, “The Crime of Genocide in the ICTR Jurisprudence”, *Journal of International Criminal Justice*, vol. 3, no. 4, 1 Sept. 2005.
- Conge, Patrick J., “Review: The Concept of Political Participation: Toward a Definition”, *The Journal of Comparative Politics*, vol. 20, no. 2, Jan. 1988.
- Dimitrijević, Vojin and Milanović, Marko, “The Strange Story of the Bosnian Genocide Case”, *Leiden Journal of International Law*, vol. 21, issue 1, March 2008.
- Feierstein, Daniel, “Leaving the Parental Home: An Overview of the Current State of Genocide Studies” (Translated from Spanish by Douglas Andrew Town), *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, vol. 6, issue 3, 2011.
- Goldstone, Jack A. et al, “A Global Model for Forecasting Political Instability”, *American Journal of Political Science*, vol. 54, no. 1, Jan. 2010.
- Gurr, T. R. and Harff, B., “Minorities at Greatest Risk of Humanitarian Emergencies”, paper prepared for the wider program on the political economic of humanitarian emergencies, *Uppsala University, Department of Peace and Conflict Research*, 30 Sept., 1996.
- Harff, B. and Gurr, T. R., “Toward Empirical Theory of Genocides and Politicides: Identification and Measurement of Cases Since 1945”, *International Studies Quarterly*, vol. 32, no. 3, 1988.
- Harff, B. and Gurr, T. R., “Victims of the State: Genocides, Politicides and Group Repression Since 1945”, *International Review of Victimology*, vol. 1, 1989.
- Harff, Barbara, “Assessing Risks of Genocide and Politicide: A Global Watch List for 2012”, in: Hewitt, J. J. (ed.), *Peace and Conflict 2012*, Taylor and Francis Group, 2012; Available at: http://www.genocidewatch.org/images/Global_Watch_List_-_Harff_2012.pdf > 15.07.2018.
- Harff, Barbara, “Assessing Risks of Genocide and Politicide”, in: Marshall, M. G. and Gurr, T. R. (eds.), *Peace and Conflict 2005: A Global Survey of Armed Conflicts, Self-Determination Movements, and Democracy*, CIDCM, 2005; Available at: http://www.genocidewatch.org/images/AboutGen_Assessing_Risks_of_Genocide_and_Politicide.pdf > 15.07.2018.
- Harff, Barbara, “Explaining and Preventing the Holocaust, Genocides,

Politicides and Holodomors”, at the event ‘The Limits of Accuracy: Models and Assumptions of Failed States Indexes’ which is part two of a Talk Series entitled ‘The (Un)Making of Failing States: Profits, Risks and Measures of Failure’, January 2009; Available at: https://us.boell.org/sites/default/files/downloads/Paper_Harff_Barbara.pdf > 15.07.2018.

- Harff, Barbara, “No Lessons Learned from the Holocaust? Assessing Risks of Genocide and Political Mass Murder Since 1955”, *American Political Science Review*, vol. 97, no.1, 2003.
- Harff, Barbara, “The Comparative Analysis of Mass Atrocities and Genocide”, in: Gleditsch, N. P. (ed.), *R. J. Rummel, An Assessment of His Many Contributions*, Springer International Publishing, 2017.
- Holm, Andreas Beck, “Marx on Politics; On the Search for a Missing Concept”, *Journal of Social Theory*, vol. 7, no. 1, 2006.
- Kreß, Claus, “Nulla poena nullum crimen sine lege”, *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law, Heidelberg and Oxford University Press, 2010.
- Kutner, Luis, “Politicide: The Necessity of an International Court of Criminal Justice”, *Journal of International Law and Policy*, vol. 2, 1972.
- Maldonado, Silvia Delgado, “Political Participation: An Implied Condition for Enduring Peace in Colombia”, *Int. Law: Rev. Colomb. Derecho Int. Bogotá (Colombia)*, no. 23, July/Dec. 2013.
- Miranda, Luis, “Democide: When Your Government Kills You”, *The Real Agenda*, Feb. 23, 2012; Available at: <http://real-agenda.com/democide-when-your-government-kills-you/> > 15.07.2018.
- Mitchell, Neil J. et al., “The Impact of Pro-Government Militias on Human Rights Violations”, *International Interactions*, vol. 40:5, 2014.
- O’Sullivan, Dónal, “Stalin’s Genocides”, (Book Review), *The International History Review*, vol. 34, no. 2, 2012.
- Rogall, Thorsten and Yanagizawa-Drott, David, “The Legacy of Political Mass Killings: Evidence from the Rwandan Genocide” (A Project), Sept. 2013; Available at: https://projects.iq.harvard.edu/files/bwgape/files/legacy_of_rwandan_genocide.pdf > 15.07.2018.
- Roser, Max and Nagdy, Mohamed, “Genocides”, 2018; Available at: <https://ourworldindata.org/genocides> > 15.07.2018.
- Schaack, Beth Van, “The Crime of Political Genocide: Repairing the Genocide Convention’s Blind Spot”, *The Yale Law Journal*, vol. 106: 2259, 1997.
- Uzonyi, Gary, “Civil War Victory and the Onset of Genocide and Politicide”, *International Interactions*, vol. 41, 2015.
- Verdeja, Ernesto, “Predicting Genocide and Mass Atrocities”, *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, vol. 9, issue 3, 2016.

-
- Wu, Harry, "Classicide in Communist China", *Comparative Civilizations Review*, vol. 67, no. 67, Fall 2012.

- Websites

- <http://apps.who.int>
- <http://invisiblegirlproject.org>
- <http://newsinfo.inquirer.net>
- <http://www.allgirlsallowed.org>
- <http://www.auschwitzinstitute.org>
- <http://www.bostonglobe.com>
- <http://www.gendercide.org>
- <http://www.krazykioti.com>
- <https://asp.icc-cpi.int>
- <https://dictionary.cambridge.org>
- <https://en.oxforddictionaries.com>
- <https://modernsurvivalonline.com>
- <https://pachodo.org>
- <https://thelawdictionary.org>
- <https://wikivisually.com>
- <https://www.brainyquote.com>
- <https://www.businessinsider.com>
- <https://www.collinsdictionary.com>
- <https://www.definitions.net>
- <https://www.economist.com>
- <https://www.theguardian.com>
- <https://www.urbandictionary.com>
- <https://www.usmmm.org>
- <https://www.wordsense.eu>